



## راهکار رفاهی جمعیت در متن تأمین اجتماعی

# زادوولد با هدف توسعه ملی

در نظریه‌های کلاسیک اقتصاد که به این دانش اجتماعی سروشکل دادند، «جمعیت» عاملی برای جهت‌دهی به فرآیندهای تولید محسوب می‌شد. امروز هم اقتصاددانانی که به افزایش جمعیت به عنوان عامل مصرف در شرایطی ثابت ماندن نرخ تولید و سرمایه و افزایش مصرف، نگاه منفی دارند نیز جمعیت را در شرایط مساعد عامل تحقق رشد می‌خوانند. پس از ظهور کرونا و تأثیرگذاری آن بر رشد اقتصادی کشور، نگاه نظر به پردازان حوزه جمعیت، به تأثیر این عامل بر رشد، منفی نشد؛ چه اینکه با کاهش آثار کرونا و گسترش تأمین واکسن در کشور، مجدداً بر گسترش جمعیت به منظور تقویت چرخه جایگزینی نسل‌ها تأکید شد.

گزارش

کشور مانند سن امید به زندگی را در نظر می‌گیرند و آنها را به مثابه شاخص‌های تأثیرگذار در تعیین وسعت نظام تأمین اجتماعی و تعریف لایه‌های آن مداخله می‌دهند. در واقع عمق و سطح هر نظام تأمین اجتماعی به مؤلفه‌های اقتصادی و جمعیتی آن وابسته است.

این کارشناس رفاه با اشاره به همبستگی چرخه جایگزینی نسل و ضرورت تهیه پیوست تأمین اجتماعی برای طرح‌ها و برنامه‌های کلان اقتصادی، گفت: «سیاست‌های کلان اقتصاد در ابلاغیه سیاست‌های کلی تأمین اجتماعی با همین نگاه از سوی مقام معظم رهبری مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ چراکه نمی‌توانیم در یک حوزه اقتصادی سیاستگذاری کنیم بدون اینکه تأثیر آن بر تغییرات جمعیت و چرخه نسلی را در نظر نگرفته باشیم.»

وی افزود: «اگر بتوانیم پیوستگی میان نظام تأمین اجتماعی و نیازهای جمعیتی را در سیاست‌های اقتصادی بازتاب دهیم، رشد را متناسب با نیازهای واقعی محقق کرده‌ایم؛ اینگونه جمعیت را پشتیبان قدرت اقتصادی خود کرده‌ایم، در حالی که اگر نتوانیم پشتیبان حمایتی لازم را برای هرم نسلی فراهم کنیم، جمعیت مقهور می‌شود و تمایل خود را به قرار گرفتن در این هرم از دست می‌دهد. پیری جمعیت و بسته شدن پنجره جمعیتی حاصل نگاه فاقد پیوست تأمین اجتماعی است.»

**پیوست تأمین اجتماعی و رشد اقتصادی**  
به نظر می‌رسد برنامهریزی اشتغال به عنوان برنامه کلان در حوزه سیاستگذاری جمعیت و رشد اقتصادی، بدون تهیه پیوست تأمین اجتماعی راهگشا نخواهد بود. به همین دلیل، اقتصادهای روبه توسعه ناچار باید اشتغال موجود و ظرفیت‌های آینده این حوزه را در قلمروی نظام تأمین اجتماعی وارد کنند تا مشاغل مستقر از لحاظ ارزشی که برای اقتصاد ایجاد می‌کنند دارای حمایت‌های اجتماعی لازم برای نیروی کار هم باشند.

بر همین اساس، اقتصاد و رشد جمعیت در پیوستگی قرار دارند و نه در عدم پیوستگی و نگاه جزیره‌ای. این در شرایطی است که سیاستگذاری جمعیت در دولت‌های گذشته جزیره‌ای نگه داشته شدند و به هیچ عنوان در متن نظام تأمین اجتماعی و سیاست‌های کلان دیده نشدند. به دلیل همین نگاه تک‌بعدی رشد هم صرفاً تک‌بعدی فرض شد؛ در حالی که رشد بر این جمعیت، حمایت‌های اجتماعی، بهره‌وری کل، سرمایه، فناوری و... است. شاید جمعیت اولین حلقه به حرکت درآوردن اقتصاد باشد که اما توسعه آن را نمی‌توان بدون عوامل دیگر محقق کرد. به همین دلیل ابتدا باید اقتصاد و ارتباط آن با سیاست‌های رفاه را در جای خود فهم کرد و از دل آن راهبردهای مربوط به جمعیت، گردش سرمایه و... را استخراج کرد. به این واسطه تمام حلقه‌های تأمین‌کننده رشد در جای درست خود قرار می‌گیرند. در این میان سیاست‌های تأمین اجتماعی می‌توانند به مثابه روح در تن فرایندهای منتهی به رشد قرار گیرند.

است؛ مگر اینکه عامل سرمایه در کنار آن قرار گیرند. وی افزود: «نیروی کار به صرف اینکه آموزش دیده نمی‌تواند نماینده خوبی برای جمعیت باشد. باید توجه داشت که در اقتصاد مفهومی به نام (Life Cycle) یا چرخه زندگی را داریم. بر پایه این مفهوم هر انسانی در طول زندگی تا زمان ورود به بازار کار، یک مصرف‌کننده است. پس از آن همان در دوران بازنشستگی به مصرف‌کننده تبدیل می‌شود.»

حیدری با بیان اینکه در این چرخه هر انسان باید فرزندان خود را تأمین کند، افزود: «با این حال انسان باید در دوران بازنشستگی با اندوخته‌های خود زندگی کند؛ اندوخته‌هایی که در قالب حقوق بازنشستگی یا سپرده بانکی در دوران اشتغال حاصل کرده است. به این ترتیب تعریف نیروی کار مولد از دل جمعیت روشن می‌شود اما باید عامل سرمایه را هم در کنار جمعیت در نظر داشت.»

این کارشناس رفاه تصریح کرد: «هرم انسانی به گونه‌ای است که در قالب سه بخش کودکی، جوانی و پیری تعریف می‌شود. حالا زمانی که عامل سرمایه در کنار نیروی کار به نمایندگی از جمعیت قرار می‌گیرد حداکثر بازدهی را برای اقتصاد به وجود می‌آورد. البته برخی اقتصاددانان اعتقاد دارند با وجود ثابت ماندن عامل سرمایه و رشد جمعیت نیز می‌توان به رشد اقتصادی دست یافت.»

**لزوم هماهنگی چرخه نسلی با سرمایه**

با این حال، حیدری تأکید دارد هرم سنی جمعیت باید به گونه‌ای باشد که تلاوب و تناسب جمعیت آماده به کار و جمعیت کودک و سالمندان را پوشش دهد. وی افزود: «چنانچه این نسبت برهم بریزد باید عامل سرمایه از طریق ارتقاء تکنولوژی وارد شود، اما چون فناوری نمی‌تواند به طور کامل جایگزین خلاقیت و پشتکار جمعیت و توان و اراده آن برای پیشرفت شود، از طرفی چنانچه عامل جمعیت ثابت بماند و رشد نکند، هزینه‌های اجتماعی زیادی به بار می‌آید.»

وی در نهایت اعتقاد دارد در کنار پویایی هرم جمعیت باید عامل سرمایه هم تقویت شود اما در کشورهای توسعه‌یافته فناوری هم در خدمت این دو قرار می‌گیرد تا فرایندها را بهبود بخشد و رشد اقتصادی را تسریع کند؛ اما در کشورهای در حال توسعه، تکنولوژی کم‌رنگ‌است و جمعیت و سرمایه باید به موازات یکدیگر حرکت کنند.

**جایگاه نظام تأمین اجتماعی**

از فکته‌های حیدری می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که اقتصاد نیروهای خود را الزاماً در سبد جمعیت قرار نمی‌دهد و باید سرمایه را هم به عنوان راه‌حل در کنار آن قرار داد. با این حال رشد سرمایه بدون رشد جمعیت امکان‌پذیر نیست. در راه رشد جمعیت نیازمند متصل ساختن چرخه نسل به نظم تأمین اجتماعی است. جمعیت باید بداند که می‌تواند از کودکی تا پیری در لوای حمایت‌های پایدار نسلی قرار می‌گیرد. به همین دلیل در معماری نظام تأمین اجتماعی، سرعت جایگزینی نسل و ویژگی‌های جمعیتی هر

پیشگیری از بسته شدن پنجره و سالمندی جمعیت و مراقبت از سالمندان جامعه باید در راهبرد اصلی در کشور باشد. با توجه به اینکه ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که پنجره جمعیتی ایران بین ۲۵ تا ۳۰ سال آینده یعنی در حدود سال‌های ۱۴۲۵ تا ۱۴۳۰ بسته می‌شود، این یادآوری نشان می‌دهد که ایران هم مانند چین و ژاپن با کاهش تعداد نیروی کار و پیش گرفتن تعداد سالمندان بر جوانان مواجه است.

**مؤلفه چند وجهی رشد جمعیت**

با چنین وصفی، در سال‌های آینده چشم‌انداز اقتصادی ایران روشن نخواهد بود و در پایان قرن هم نمی‌توان هیچ تصور خاصی از وضعیت این کشور داشت. بنابر این وضعیت، رشد جمعیت را نمی‌توان به عنوان یک مؤلفه هزینه‌ای و تک‌وجهی در نظر گرفت؛ بلکه با یک مؤلفه چند وجهی مواجه هستیم. این جعبه همانطور که به تأمین غذای خود از ناحیه سرمایه‌گذاری، بهبود فرایندهای تولید، افزایش بهره‌وری زمین از طریق ارتقاء فناوری کشت و... نیاز دارد می‌تواند در خدمت تمام فرایندهای تولید و افزایش بهره‌وری کل باشد. به این ترتیب تقاضایی که برای مصرف به وجود می‌آید، با فرض ثابت ماندن میزان تولید و نرخ تشکیل سرمایه و افزایش بهره‌وری از ناحیه سرمایه‌گذاری در فناوری‌های زودباز، پاسخ می‌گیرد؛ به نحوی که افزایش جمعیت به مؤلفه‌ای برای تأمین امنیت غذایی تبدیل می‌شود. در کل به محاق رفتن امنیت غذایی و افزایش سطح نگرانی‌های جهانی در مورد آن، محصول نگاه سنتی به جمعیت است.

در این نگاه، جمعیت، مصرف‌کننده منفعلی است که توان تطابق خود با رشد فناوری را ندارد. این نگاه، میل جمعیت به تأمین معاش و ارتقاء زندگی معیشت پایه به زندگی مرفه و زیستن در جامعه شاد را تقبیح و دستاورهای بشر برای تأمین زندگی خود از طریق ارتقاء فناوری و ایجاد ارزش افزوده بر روی منابعی که از طبیعت در قالب مواد خام برداشته شده‌اند، نادیده می‌گیرد؛ به همین دلیل نمی‌توان به رشد و توسعه اقتصادی چشم داشت.

**چرخه نسلی و سیاست دولت**

با روی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد. به نظر نمی‌رسد که در پس این تغییر گفتمان، افزایش جمعیت هدف نهایی باشد بلکه می‌توان از آن به عنوان وسیله برای تأمین رشد اقتصادی یاد کرد. تحقق این هدف نیازمند تغییر در عوامل سرمایه و جمعیت است.

«علیرضا حیدری» کارشناس رفاه اجتماعی در مورد نسبت این عوامل به آتی‌ه‌نو، گفت: «در اقتصاد جمعیت به مثابه توده‌های بی‌شکل و فاقد قدرت تولید در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه عاملی است که از آن قدرت تولید و بهره‌وری بیرون می‌زند؛ منتها جمعیت نیاز به آموزش و سواد دارد. از این ناحیه نیروی کار تربیت می‌شود. با این حال نیروی کار به تنهایی در اقتصاد فاقد ارزش

**نگرانی جهانی از کاهش زادوولد**

هر چند تأثیر سوبیه‌های آینده کرونا بر اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه مشخص نیست، اما به نظر نمی‌رسد سیاستگذاری در حوزه جمعیت متأثر از این عامل تغییر کند؛ چراکه مطابق بررسی‌های معتبر پزشکی (The Lancet) که از سال ۱۸۲۳ میلادی منتشر می‌شود، جمعیت، ابرچالش آینده است.

گزارش این نشریه نشان می‌دهد سقوط نرخ زادوولد در تمام کشورهای جهان به بحران تبدیل شده است. بر این اساس دنیا تا پایان قرن ۲۱ میلادی با کاهش شدید جمعیت مواجه می‌شود. این وضعیت کشورهای پیشرویی مانند چین را هم که فعلاً با رشد جمعیت مواجه هستند، با تهدید روبه‌رو کرده است.

لنست گزارش داد که جمعیت چین تا سال ۲۰۲۴ به فراتر از ۱۴ میلیارد نفر می‌رسد اما به دلیل پایین آمدن نرخ زادوولد تا پایان سال ۲۱۰۰ به طرز اسفناکی سقوط می‌کند و به حدود ۷۳۲ میلیون نفر می‌رسد. جمعیت کشور ژاپن هم از حدود ۱۲۷ میلیون نفر در سال جاری در پایان قرن به ۵۳ میلیون نفر می‌رسد. جدا از وضعیتی که برای کشور پیر ژاپن به وجود می‌آید، کم‌رقی شدن نیروی کار جوان چین و افزایش تعداد بازنشستگان آن، اقتصاد جهان را به حال اغما فرو می‌برد.

**آثار کاهش رشد اقتصادی چین**

همین امروز که صحبت از کاهش نرخ زادوولد در چین و گسترش پیری در جمعیت آن در کنار کاهش رشد اقتصادی جهان و تورم بالای پس از دوران کرونا، می‌شود، بزرگترین نهاد مالی آمریکا یعنی بانک مرکزی این کشور یا همان (Federal Reserve System) پیش‌بینی کرده رشد اقتصادی چین از ۴٫۵ درصد در سال جاری میلادی به چهار درصد کاهش یابد. ایالات متحده در حالی که تلاش دارد گوی سبقت را در رقابت‌های ژئوپلیتیک از چین برآید اما با توجه به حجم اقتصاد چین که تولید ناخالص داخلی آن را در سال ۲۰۲۱ به بیش از ۱۷ هزار میلیارد دلار رسانده، نگران آثار جهانی کاهش رشد اقتصادی این کشور است. برخی اقتصاددانان تخمین می‌زنند که یک درصد کاهش رشد اقتصادی چین برابر دو درصد کاهش رشد اقتصاد جهانی است؛ مسأله‌ای که به افزایش سرعت گسترش فقر در سطح جهانی می‌انجامد.

**تهدید حوزه جمعیت برای ایران**

به همین دلیل کاهش رشد جمعیت و نرخ زادوولد در چین به طور خاص و در سطح جهان به طور عام، لنگر اقتصاد جهان را به گل می‌نشانند. ایران هم متأثر از سیاست کاهش جمعیت دولت‌های گذشته و کاهش سرمایه‌گذاری در زمینه افزایش نرخ زادوولد با بحران پیری جمعیت به صورت جدی‌تری روبه‌روست. بر اساس آمار سازمان ملل، تا سال ۱۴۳۰ قریب به ۳۰ درصد جمعیت ایران سالمند می‌شوند.

به همین دلیل وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی از افزایش تعداد سالمندان نسبت به تعداد جوانان اظهار نگرانی کرده است. به گفته حجت‌الله عبدالملکی،

عکس: اسماعیل داری‌ا



پیام‌آبدی  
روزنامه‌نگار

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

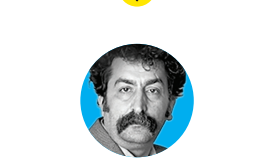
**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**پاروی کار آمدن دولت سیزدهم، گفتمان مرسوم در زمینه جمعیت تغییر کرد؛ به این معنا که سیاست کنترل جمعیت به سیاست تشویق به فرزندآوری متحول شد**

**دیدگاه**



نعمت‌علیپور  
کارشناس تأمین اجتماعی

**راهکارهای حمایتی از جمعیت جوان**

امروزه برای حمایت از جمعیت جوان کشور مهمترین راهکارها و برنامه‌ها، ایجاد اشتغال، افزایش نرخ مشارکت اقتصادی و حرکت به سمت اقتصادی کارا است. مسأله‌ای که در ارتباط با جوانی جمعیت و کارکرد سازمان‌های بیمه‌ای مطرح می‌شود این است که همواره باید جمعیت جوان باشد تا نسبت پشتیبانی خوبی در صندوق‌ها داشته باشیم.

حال دو مسأله مهم که در این خصوص وجود دارد؛ یکی اینکه جمعیت کشور همیشه نمی‌تواند جوان باشد و قاعدتاً باید به یک حد تعادل برسد و دوم اینکه به دلیل شرایط اقتصادی و اجتماعی، سیر جوامع به سمت پیری می‌رود.

به همین منظور در صندوق‌هایی همچون تأمین اجتماعی، مسأله بازنشستگی، دوره بلوغ و جوانی را تعریف می‌کنند و بابت پیش‌بینی چنین اتفاقاتی مکانیزم‌های مالی را در نظر می‌گیرند. یکی از این راه‌حل‌ها این است که تأمین اجتماعی باید ذخیره‌ای داشته باشد تا هر چه حق بیمه دریافت می‌کند همان مبلغ را به مستمری‌گیر پرداخت نکند. البته تغییر نرخ حق بیمه در دوره‌های مختلف و محاسبات اکچوئری نیز باید به خوبی دیده شود. به عقیده من، سازمان تأمین اجتماعی باید در این دوره ذخیره‌ای داشته باشد، اما چه عاملی باعث شده تا این ذخیره اکنون وجود نداشته باشد؟ در حالی که جمعیت کشور کهنسال نشده و به بلوغ رسیده است؟ باید این مسائل را جست‌وجو کرد. در چنین شرایطی تنها راه این نیست که جمعیت جوان بماند؛ چون یکسری عملکردها، تورم بالا و بلندمدت از یک طرف و عدم صیانت از ذخایر سازمان تأمین اجتماعی از طرف دیگر باعث شده تا در برخی از مواقع ما با کمبود نقدینگی مواجه شویم. عدم ایفای تعهدات انباشت شده دولت در سال‌های گذشته نیز باعث شده تا ما به این سمت پیش برویم. البته اکنون نسبت پشتیبانی برای تأمین اجتماعی مهم شده؛ چون صندوق به سمت نداشته شدن ذخیره و دوره بلوغ گام برداشته است. در این بین نکته مهم این است که مشکل تأمین اجتماعی مستقیماً با جوانی جمعیت حل نمی‌شود، بلکه این مجرای اشتغال است که راه‌حل این موضوع است.

اگر دنبال جوانی جمعیت هستیم، باید مردم را امیدوار کنیم. شاغل نامید که آینده‌ای برای خودش متصور نیست و نامیدانه به مجرای تأمین اجتماعی نگاه می‌کند دنبال فرزندآوری هم نمی‌رود. باید این صندوق‌ها و سازمان‌ها که مرتبط با رفاه و تأمین اجتماعی هستند را تقویت کرد و افرادی که شاغل هستند را حمایت کنیم تا ضمن افزایش امید به آینده در حمایت از صندوق‌های بیمه‌ای هم گامی برداشته شود. باید جایگاه تأمین اجتماعی و سازمان‌های بیمه‌گر در این زمینه دیده شود و اشتغال خوب، وضعیت اقتصادی مناسب، بهبود وضعیت سازمان‌های اجتماعی و تأمین اجتماعی در دستور کار باشد.